

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۲

آیه ۱۶۸

آیه و ترجمه

۱۶۸ الذین قالوا لآخونهم و قعدوا لو اءطاعونا ما قتلوا قل فادروا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقین
ترجمه :

۱۶۸ - (منافقان) آنها هستند که به برادران خود گفتند - در حالیکه از حمایت آنها دست کشیده بودند - اگر آنها از ما پیروی می کردند کشته نمی شدند، بگو (مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید) پس مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گوئید.

تفسیر :

گفته های بی اساس منافقان

منافقان علاوه بر اینکه خودشان از جنگ احد کناره گیری کردند و سعی در تضعیف روحیه دیگران نیز نمودند، بهنگام بازگشت مجاهدان زبان به سرزنش آنها گشودند و گفتند: اگر آنها از فرمان ما پیروی کرده بودند کشته نمی دادند.
قرآن در آیه فوق، به گفتار بی اساس آنها پاسخ می دهد و می گوید: آنها که از جنگ کناره گیری کردند و به برادران خود گفتند: اگر از ما اطاعت کرده بودند هیچگاه کشته نمی شدند به آنها بگو اگر قادر به پیش بینی حوادث آینده هستید مرگ را از خودتان دور سازید اگر راست می گوئید. الذین قالوا لآخوانهم و قعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل فادروا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقین)

یعنی، در حقیقت شما با این ادعا، خود را عالم به غیب و با خبر از حوادث آینده می دانید کسی که چنین است باید علل و عوامل مرگ خود را بتواند پیش بینی کرده و خنثی سازد آیا شما چنین قدرتی دارید؟!)

وانگهی اگر شما در میدان جهاد و در راه سربلندی و افتخار کشته نشوید آیا عمر جاویدان خواهید داشت؟ آیا می توانید مرگ را برای همیشه از خود دور سازید؟ بنابراین شما که نمی توانید قانون مسلم مرگ را از میان ببرید پس چرا

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۳

میان بستر با ذلت بمیرید چرا با افتخار در میدان جهاد در برابر دشمن شربت شهادت ننوشید؟.

در آیه فوق، نکته دیگری وجود دارد که باید به آن توجه کرد: و آن اینکه از مؤمنان تعبیر به برادر شده در حالی که هرگز مؤمنان برادر منافقان نیستند، این یک نوع سرزنش به آنها است که شما مؤمنان را برادر خود می دانستید چرا در این لحظات حساس، دست از حمایت آنها برداشتید و لذا بلافاصله بعد از تعبیر اخوانهم جمله قعدوا یعنی از جنگ باز نشستند ذکر شده آیا انسان ادعای برادری می کند و بلافاصله از حمایت برادر خود باز می نشیند؟!.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۴

آیه ۱۶۹-۱۷۱

آیه و ترجمه

و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله اءمواتا بل اءحياء عند ربهم يرزقون ۱۶۹
فرحين بما آتاهم الله من فضله ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من
خلفهم اءلا خوف عليهم و لا هم يحزنون ۱۷۰
يستبشرون بنعمة من الله و فضل و ان الله لا يضيع اجر المؤمنين ۱۷۱
ترجمه :

۱۶۹ - (ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده اند مردگانند، بلکه آنها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.
۱۷۰ - آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به آنها بخشیده است خوشحالند و بخاطر کسانی که (مجاهدانی که) بعد از آنها به آنان ملحق نشدند (نیز) خوش وقتند (زیرا مقامات برجسته آنها را در آن جهان می بینند و میدانند) که نه ترسی بر آنها است و نه غمی خواهند داشت.
۱۷۱ - و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند، و (می بینند که) خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نمی کند (نه پاداش شهیدان و نه پاداش مجاهدانی که شهید نشدند).

تفسیر :

زندگان جاوید

بعضی از مفسران معتقدند که آیات فوق درباره شهدای احد نازل شده و بعضی دیگر درباره شهدای بدر می‌دانند، ولی حق این است که پیوند این آیات با آیات گذشته نشان می‌دهد، بعد از حادثه احد نازل شده است. امام‌مضمون و

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۵

محتوای آیات تعمیم دارد و همه شهدا حتی شهدای بدر را که چهارده نفر بودند شامل می‌شود و لذا در حدیثی از امام باقر (علیه‌السلام) نقل شده که فرمود: آیات درباره شهدای احد و بدر هر دو نازل شده است. ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که خداوند به ارواح شهیدان احد خطاب کرد و از آنها پرسید: چه آرزویی دارید؟ آنها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی می‌توانیم داشته باشیم، که غرق نعمتهای جاویدان توایم و در سایه عرش تو مسکن داریم، تنها تقاضای ما این است که بار دیگر بجهان برگردیم و مجددا در راه تو شهید شویم، خداوند فرمود: فرمان تخلف‌ناپذیر من این است که کسی دوباره به دنیا بازنگردد، عرض کردند: حالا که چنین است تقاضای ما این است که سلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله برسانی و به بازماندگانمان، حال ما را بگوئی و از وضع ما به آنها بشارت دهی که هیچگونه نگران نباشند در این هنگام آیات فوق نازل شد.

بهر حال چنین بنظر میرسد که جمعی از افراد سست ایمان بعد از حادثه احد می‌نشستند و بر دوستان و بستگان خود که در احد شهید شده بودند، تاسف می‌خوردند که چرا آنها مردند و نابود شدند، مخصوصا هنگامی که به نعمتی می‌رسیدند و جای آنها را خالی می‌دیدند بیشتر ناراحت می‌شدند، با خود می‌گفتند ما این چنین در ناز و نعمتیم اما برادران و فرزندان ما در قبرها خوابیده‌اند و دستشان از همه جا کوتاه است.

اینگونه افکار و اینگونه سخنان علاوه بر این که نادرست بود و با واقعیت تطبیق نمی‌کرد، در تضعیف روحیه بازماندگان بی اثر نبود.

آیات فوق، خط بطلان بر این گونه افکار کشیده و مقام، شامخ و بلند شهیدان را یاد کرده است و می‌گوید: ای پیامبر! هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند

مرده‌اند (لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا)، در اینجا روی سخن فقط به پیامبر صلی الله علیه و آله است تا دیگران حساب خود را بکنند بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. بل احياء عند ربهم يرزقون:

منظور از حیات و زندگی در اینجا همان حیات و زندگی برزخی است که ارواح در عالم پس از مرگ دارند، نه زندگی جسمانی و مادی، گرچه زندگی برزخی، اختصاصی به شهیدان ندارد، بسیاری دیگر از مردم نیز دارای حیات برزخی هستند ولی از آنجا که حیات شهیدان یک حیات فوق العاده‌عالی و آمیخته با انواع نعمتهای معنوی است - و بعلاوه موضوع سخن، درآیه آنها هستند - تنها نام از آنها برده شده است. آنها بقدری غرق مواهب حیات معنوی هستند که گویا زندگی سایر برزخیان در مقابل آنها چیزی نیست.

در آیه بعد به گوشه‌ای از مزایا و برکات فراوان زندگی برزخی شهیدان اشاره کرده و می‌فرماید: آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به آنها بخشیده است خوشحالند. فرحین بما اتيهم الله من فضله: خوشحالی دیگر آنها بخاطر برادران مجاهد آنها است که در میدان جنگ شربت شهادت ننوشیده‌اند و به آنها ملحق نشده‌اند زیرا مقامات و پاداشهای آنها را در آن جهان به خوبی می‌بینند و از این رو مستبشر و شاد می‌شوند، همانطور که قرآن می‌گوید: و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم. و به دنبال آن می‌افزاید: شهیدان احساس می‌کنند که برادران مجاهد آنها، پس از مرگ، هیچگونه اندوهی نسبت به آنچه در دنیا گذارده‌اند ندارند و نه هیچگونه ترسی از روز رستاخیز، و حوادث وحشتناک آن الا خوف علیهم ولا هم یحزنون،

این جمله، تفسیر دیگری هم ممکن است داشته باشد و آن اینکه شهیدان علاوه بر این که با مشاهده مقامات برادران مجاهدی که به آنها ملحق نشده‌اند خوشحال می‌شوند، خودشان هم هیچگونه ترسی از آینده و غمی از گذشته ندارند.

آیه بعد در حقیقت تاکید و توضیح بیشتری درباره بشارتهائی است که شهیدان بعد از کشته شدن دریافت می کنند آنها از دو جهت خوشحال و مسرور می شوند: نخست از این جهت که نعمتهای خداوند را دریافت میدارند، نه تنها نعمتهای او بلکه فضل او که همان افزایش و تکرار نعمت است نیز شامل حال آنها می شود. (یستبشرون بنعمة من الله و فضل)

دیگر این که آنها می بینند که خدا پاداش مؤمنان را ضایع نمیکند، نه پاداش شهیدان و نه پاداش مجاهدان راستینی که شربت شهادت ننوکیدند (و ان الله لا یضیع اجر المؤمنین)

در حقیقت آنچه را قبلا شنیده بودند در آنجا آشکار می بینند.

شاهدی بر بقای روح

از جمله آیات قرآن که با صراحت، دلالت بر بقای روح دارد آیات فوق است که درباره حیات شهیدان بعد از مرگ می باشد، و اینکه بعضی احتمال داده اند که مراد از حیات، معنی مجازی آن است و منظور باقی ماندن آثار زحمات و نام و نشان

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۸

آنها است، بسیار از معنی آیه دور است و با هیچ یک از جمله های آیات فوق، اعم از روزی گرفتن شهیدان و سرور آنها از جهات مختلف، سازگار نمی باشد بعلاوه آیات فوق، دلیل روشنی بر مسأله برزخ و نعمتهای برزخی است که شرح آن در ذیل آیه شریفه و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون (سوره مؤمنون آیه ۲۳) بخواست خدا خواهد آمد.

پاداش شهیدان

درباره اهمیت مقام شهیدان، سخن بسیار گفته شده و هر قوم و ملتی برای شهدای خود احترام خاصی قائل است ولی بدون اغراق، آن احترامی که اسلام برای شهدای راه خدا قائل شده است بی نظیر است، روایت زیر نمونه روشنی از احترامی است که اسلام برای شهداء قائل شده و در پرتو همین تعلیمات بود که یک جمعیت محدود عقب افتاده آنچنان قدرت و نیرو گرفتند که بزرگترین امپراطوریهای جهان را بزانو در آوردند.

امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چنین نقل می کند که هنگامی که حضرت، مشغول خطبه بود و مردم راتشویق به جهاد می کرد، جوانی برخاست و عرض کرد: ای امیر

مؤمنان! فضیلت جنگجویان در راه خدا را برای من تشریح کن امام در پاسخ فرمود: من بر مرکب پیغمبر صلی الله علیه و آله و پشت سر آنحضرت سوار بودم و از غزوه ذات السلاسل برمی گشتیم همین سؤالی را که تو از من نمودی من از پیامبر صلی الله علیه و آله کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که جنگجویان، تصمیم بر شرکت در میدان جهاد می گیرند خداوند آزادی از آتش دوزخ را برای آنها مقرر میدارد. و هنگامی که سلاح بر میدارند و آماده میدان می شوند فرشتگان بوجود آنها افتخار می کنند. و هنگامی که همسر و فرزند و بستگان آنها با آنها خداحافظی می کنند، از

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۱۹۹

گناهان خود خارج می شوند... از این موقع آنها هیچ کاری نمیکنند مگر اینکه پاداش آن، مضاعف می گردد و در برابر هر روز پاداش عبادت هزار عابد برای آنها نوشته می شود... و هنگامی که با دشمنان روبرو می شوند، مردم جهان، نمیتوانند میزان ثواب آنها را درک کنند. و هنگامی که گام به میدان برای نبرد بگذارند و نیزه ها و تیرها رد و بدل شود، و جنگ تن بتن شروع گردد، فرشتگان با پر و بال خود اطراف آنها رami گیرند و از خدا تقاضا می کنند که در میدان، ثابت قدم باشند، در این هنگام منادی صدا میزند الجنة تحت ظلال السیوف: بهشت در سایه شمشیرها است، در این هنگام ضربات دشمن بر پیکر شهید، ساده تر و گوارا تر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است. و هنگامی که شهید از مرکب فرو می غلطد، هنوز به زمین نرسیده، حوریان بهشتی به استقبال او می شتابند و نعمتهای بزرگ معنوی و مادی که خدا برای او فراهم ساخته است، برای او شرح می دهند. و هنگامی که شهید بروی زمین قرار می گیرد، زمین می گوید: آفرین بر روح پاکیزه ای که از بدن پاکیزه پرواز می کند، بشارت باد بر تو، ان لک ما لا عین راءت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر: نعمتهائی در انتظار تو است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است و خداوند می فرماید: من سرپرست بازماندگان اویم، هر کس آنها را خشنود کند مرا خشنود کرده است و هر کس آنها را بخشم آورد

آیه ۱۷۲-۱۷۴

آیه و ترجمه

۱۷۲ الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرح للذين احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم
۱۷۳ الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل
۱۷۴ فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم يمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم

ترجمه :

۱۷۲ - آنها که دعوت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را پس از آن همه جراحاتی که به آنها رسید، اجابت کردند (و هنوز زخمهای میدان احد التیام نیافته بود، به سوی میدان «حمراء الاسد» حرکت نمودند)، برای کسانی از آنها، که نیکی کردند و تقوی پیش گرفتند، پاداش بزرگی است.

۱۷۳ - اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنها گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کرده اند، از آنها بترسید!» اما این سخن بر ایمانشان افزود، و گفتند: «خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است.»

۱۷۴ - به همین جهت، آنها (از این میدان)، با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنها نرسید، و از رضای خدا پیروی کردند، و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

تفسیر :

غزوه حمراء الاسد

گفتیم در پایان جنگ احد، لشگر فاتح ابو سفیان، پس از پیروزی به سرعت راه مکه را پیش گرفتند، هنگامی که به سرزمین «روحاء» رسیدند از کار خود سخت پشیمان شدند و تصمیم به مراجعت به مدینه و نابود کردن باقیمانده مسلمانان

گرفتند. این خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید فوراً دستور داد که لشکر احد خود را برای شرکت در جنگ دیگری آماده کنند، مخصوصاً فرمان داد که مجروحان جنگ احد به صفوف لشکر پیوندند، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید: من از جمله مجروحان بودم ولی زخمهای برادرم از من سخت تر و شدیدتر بود، تصمیم گرفتیم هر طور که هست خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله برسانیم، چون حال من از برادرم کمی بهتر بود هر کجا برادرم باز می ماند او را به دوش می کشیدم، و با زحمت، خود را به لشکر رسانیدیم و به این ترتیب پیامبر صلی الله علیه و آله و ارتش اسلام در محلی بنام «حمراء الاسد» که از آنجا به مدینه هشت میل فاصله بود رسیدند و اردو زدند».

این خبر به لشکر قریش رسید و مخصوصاً از این مقاومت عجیب و شرکت مجروحان در میدان نبرد وحشت کردند و شاید فکر می کردند ارتش تازه نفسی نیز از مدینه به آنها پیوسته است. در این موقع جریانی پیش آمد که روحیه آنها را ضعیف تر ساخت و مقاومت آنها را در هم کوبید، و آن این که یکی از مشرکان بنام «معبد الخزاعی» از مدینه به سوی مکه می رفت و مشاهده وضع پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش او را به سختی تکان داد، عواطف انسانی او تحریک شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: مشاهده وضع شما برای ما بسیار ناگوار است، اگر استراحت می کردید برای ما بهتر بود، این سخن را گفت و از آنجا گذشت و در سرزمین «روحاء» به لشکر ابوسفیان رسید، ابوسفیان از او درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سؤال کرد، او در جواب گفت: محمد را دیدم با لشکری انبوه که تا کنون همانند آن را ندیده بودم، در تعقیب شما هستند و به سرعت پیش می آیند!

ابوسفیان با نگرانی و اضطراب گفت: چه می گوئی؟ ما آنها را کشتیم و مجروح ساختیم و پراکنده نمودیم، معبد الخزاعی گفت: من نمی دانم شما چه کردید؟ همین می دانم که لشکری عظیم و انبوه، هم اکنون در تعقیب شما است!

ابوسفیان و یاران او تصمیم قطعی گرفتند که به سرعت، عقب نشینی کرده و

به مکه بازگردند و برای اینککه مسلمانان آنها را تعقیب نکنند، و آنها فرصت کافی برای عقب‌نشینی داشته باشند از جمعی از قبیله عبدالقیس که از آنجایی گذشتند و قصد رفتن به مدینه برای خرید گندم داشتند خواهش کردند که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان این خبر را برسانند که ابوسفیان و بت‌پرستان قریش با لشکر انبوهی به سرعت به سوی مدینه می‌آیند تا بقیه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را از پای در آورند. هنگامی که این خبر، به پیامبر و مسلمانان رسید، گفتند: «حسبنا الله و نعم الوکیل، خدا ما را کافی است و او بهترین مدافع ما است» اما هر چه انتظار کشیدند خبری از لشکر دشمن نشد، لذا پس از سه روز توقف به مدینه بازگشتند آیات فوق، اشاره به این ماجرا می‌کند. در نخستین آیه می‌گوید: «آنها که دعوت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را اجابت کردند و بعد از آن همه جراحاتی که روز احد پیدا نمودند (آماده شرکت در جنگ دیگری با دشمن شدند) از میان این افراد برای آنها که نیکی کردند و تقوا پیش گرفتند (یعنی با نیت پاک و اخلاص کامل در میدان شرکت کردند) پاداش بزرگی خواهد بود.» (الذین استجابوا لله و الرسول من بعد ما اصابهم القرع للذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم). از اینککه در آیه فوق پاداش عظیم را اختصاص به جمعی داده است، معلوم می‌شود که در میان آنها نیز افرادی یافت می‌شدند که خلوص کامل نداشتند، و نیز ممکن است تعبیر «منهم» (بعضی از ایشان) اشاره به این باشد که بعضی از جنگجویان احد، به بهانه‌ای از شرکت در این میدان، خودداری کرده بودند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۰۴

سپس قرآن یکی از نشانه‌های زنده پایداری و استقامت آنها را به این صورت بیان می‌کند: «اینها همان کسانی بودند که جمعی از مردم (اشاره به کاروان عبدالقیس و به روایتی اشاره به نعیم بن مسعود است که آورنده این خبر بودند) به آنها گفتند: لشکر دشمن، اجتماع کرده و آماده حمله‌اند، از آنها بترسید اما آنها نه تنها نترسیدند، بلکه به عکس بر ایمان آنها افزوده شد و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی است» (الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل).

و به دنبال این استقامت و ایمان و پایداری آشکار، قرآن، نتیجه عمل آنها را بیان کرده، می‌گوید: «آنها از این میدان، با نعمت و فضل پروردگار برگشتند» (فانقلبوا بنعمة من الله و فضل). چه نعمت و فضلی از این بالاتر که بدون وارد شدن در یک برخورد خطرناک با دشمن، دشمن از آنها گریخت و سالم و بدون دردسر به مدینه مراجعت نمودند، (فرق میان نعمت و فضل ممکن است از این نظر باشد، که نعمت پاداشی است به اندازه استحقاق، و فضل اضافه بر استحقاق است). سپس به عنوان تاءکید می‌فرماید: «آنها در این جریان، کوچکترین ناراحتی ندیدند» (لم یمسسهم سوء). با اینکه «خشنودی خدا را بدست آوردند و از فرمان او متابعت کردند» (و اتبعوا رضوان الله) «و خداوند، فضل و انعام بزرگی دارد که در انتظار مؤمنان واقعی و مجاهدان راستین است» (و الله ذو فضل عظیم).

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۰۵

تاءثیر سریع تربیت الهی

مقایسه روحیه مسلمانان در میدان جنگ «بدر» با روحیه آنها در حادثه «حمراء الاسد» که شرح آن گذشت، اعجاب انسان را برمی‌انگیزد که چگونه یک جمعیت شکست خورده فاقد روحیه عالی و نفرات کافی با آن همه مجروحان در مدتی به این کوتاهی که شاید به یک شبانه روز کامل نمی‌رسید، چنین تغییر قیافه دادند و با عزمی راسخ و روحیه‌ای بسیار خوب، آماده تعقیب دشمن شدند تا آنجا که قرآن درباره آنها می‌گوید: هنگامی که خبر اجتماع دشمن برای حمله، به آنها رسید آنها نه تنهانهرا سیدند بلکه ایمانشان و به دنبال آن استقامتشان افزوده شد. و این خاصیت ایمان به هدف است که هر قدر انسان مشکلات و مصائب را بیشتر و نزدیکتر ببیند، پایداری و استقامت او بیشتر می‌شود و در حقیقت تمام نیروهای معنوی و مادی او برای مقابله با خطر، بسیج می‌گردد. این دگرگونی عجیب در این فاصله کوتاه، انسان را به سرعت و عمق تاءثیر تربیتی آیات قرآن و بیانات گیرا و مؤثر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله آشنایی سازد که این خود در سر حد یک اعجاز است.

آیه ۱۷۵

آیه و ترجمه

۱۷ انما ذلکم الشیطن یخوف اءولیاءه فلا تخافوهم و خافون اءن کنتم مؤمنین
ترجمه :

۱۷۵ - این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس)، می ترساند، از آنها نترسید! و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید!

تفسیر :

این آیه دنباله آیاتی است که درباره غزوه «حمراء الاسد» نازل گردید. می فرماید: «این فقط شیطان است که پیروان خود را (با سخنان و شایعات بی اساس) می ترساند از آنها نترسید و تنها از من بترسید اگر ایمان دارید» (انما ذلکم الشیطان یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین).

«ذلکم» اشاره به کسانی است که مسلمانان را از قدرت لشکر قریش می ترسانیدند تا روحیه آنها را تضعیف کنند. بنابراین معنی آیه چنین است: عمل نعیم بن مسعود و یا کاروان عبدالقیس فقط یک عمل شیطانی است که برای ترساندن دوستان شیطان صورت گرفته، یعنی این گونه وسوسه ها تنها در کسانی اثر می گذارد که از اولیاء و دوستان شیطان باشند و اما افراد با ایمان و ثابت قدم هیچگاه تحت تاءثیر این وسوسه ها واقع نمی شوند، بنابراین شما که از پیروان شیطان نیستید، نباید از این وسوسه ها متزلزل شوید. تعبیر از نعیم بن مسعود و یا کاروان عبدالقیس به شیطان، یا بخاطر این است که عمل آنها به راستی عمل شیطانی بود و با الهام او صورت گرفت، زیرا در قرآن و اخبار، معمولاً هر عمل زشت و خلافی، عمل شیطانی نامیده شده، چون با وسوسه های شیطان انجام می گیرد. و یا منظور از شیطان، خود این اشخاص می باشند و این از مواردی است که

شیطان بر مصداق انسانی آن گفته شده، زیرا شیطان معنی وسیعی دارد و همه اغواگران را اعم از انسان و غیر انسان شامل می شود، چنانکه در

سوره انعام آیه ۱۱۲ می خوانیم: «و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن، این چنین برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انسانی و جن قرار دادیم».

در پایان آیه می فرماید: «اگر ایمان دارید، از من و مخالفت فرمان من بترسید» (و خافون ان کنتم مؤمنین). یعنی ایمان با ترس از غیر خدا سازگار نیست.

همانطور در جای دیگر می خوانیم: «فمن یؤمن بر به فلا یخاف بخسا و لارهقا، کسی که به پروردگار خود ایمان بیاورد از هیچ نقصان و طغیانی ترس نخواهد داشت (سوره جن آیه ۱۴).

بنابراین اگر در قلبی ترس از غیر خدا پیدا شود، نشانه عدم تکامل ایمان و نفوذ و سوسه های شیطانی است، زیرا می دانیم در عالم بیکران هستی تنها پناهگاه خدا است و مؤثر بالذات فقط او است و دیگران در برابر قدرت او قدرتی ندارند. اصولاً مؤمنان اگر ولی خود را که خدا است با ولی مشرکان و منافقان که شیطان است مقایسه کنند، می دانند که آنها در برابر خداوند هیچگونه قدرتی ندارند و به همین دلیل نباید از آنها، کمترین وحشتی داشته باشند، نتیجه این سخن آن است که هر کجا ایمان نفوذ کرد شهادت و شجاعت نیز به همراه آن نفوذ خواهد کرد.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۰۸

آیه ۱۷۶ - ۱۷۷

آیه و ترجمه

۱۷۶ و لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر انهم لن یضروا الله شیئا یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة و لهم عذاب عظیم
۱۷۷ ان الذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروا الله شیئا و لهم عذاب الیم
ترجمه :

۱۷۶ - کسانی که در راه کفر، شتاب می کنند، تو را غمگین نسازند! به یقین، آنها هرگز زبانی به خداوند نمی رسانند. (بعلاوه) خدا می خواهد (آنها را به حال خود واگذارد و در نتیجه)، بهره ای برای آنها در آخرت قرار ندهد. و برای آنها مجازات بزرگی است.

۱۷۷ - (آری)، کسانی که ایمان را دادند و کفر را خریداری کردند، هرگز به خدا زبانی نمی رسانند، و برای آنها، مجازات دردناکی است!

تفسیر :

تسلیت به پیامبر صلی الله علیه و آله

در نخستین آیه مورد بحث روی سخن به پیامبر صلی الله علیه و آله است و به دنبال حادثه دردناک احد، خداوند او را تسلیت می گوید که: «ای پیامبر! از این که می بینی جمعی در راه کفر، بر یکدیگر پیشی می گیرند، و گویا با هم مسابقه گذاشته اند، هیچ گاه غمگین مباش» (و لا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر).

«زیرا: آنها هرگز هیچ گونه زبانی به خداوند نمی رسانند» (انهم لن یضروا الله شیئا).

بلکه خودشان در این راه زیان می بینند، اصولاً نفع و ضرر و سود و زیان برای موجوداتی است که وجودشان از خودشان نیست، اما خداوند ازلی و ابدی که از هر

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۰۹

جهت بی نیاز است و وجودش نامحدود، کفر و ایمان مردم و کوششها و تلاشهای آنها در این راه چه اثری برای خداوند می تواند داشته باشد، آنها هستند که در پناه ایمان، تکامل می یابند و به خاطر کفر و تنزل و سقوط می کنند.

به علاوه خلافکارهای آنها فراموش نخواهد شد و به نتیجه اعمال خود خواهند رسید. «خدا می خواهد (آنها را در این راه، آزاد بگذارد و چنان به سرعت راه کفر را بپویند) که کمترین بهره ای در آخرت نداشته باشند، بلکه عذاب عظیم در انتظار آنها باشد» (یرید الله الا یجعل لهم حظاً فی الآخرة و لهم عذاب عظیم).

در حقیقت آیه می گوید: اگر آنها در راه کفر بر یکدیگر پیشی می گیرند، نه به خاطر این است که خدا نمی تواند جلو آنها را بگیرد بلکه خدا آزادی عمل به آنها داده تا هر چه می توانند انجام دهند و نتیجه اش محرومیت کامل آنها از مواهب جهان دیگر است بنابراین، آیه نه تنها دلالت بر جبر ندارد بلکه یکی از دلائل آزادی اراده است.

سپس در آیه بعد، مطلب را بطور وسیعتر عنوان کرده، می فرماید: نه تنها افرادی که به سرعت در راه کفر پیش می روند چنین هستند «بلکه تمام کسانی که به نوعی راه کفر را پیش گرفته اند و ایمان را از دست داده و

درمقابل آن، کفر خریداری نموده‌اند، هرگز به خدا زیان نمی‌رسانند» و زیان آن، دامنگیر خودشان می‌شود (ان الذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضروالله شیئا).

و در پایان آیه می‌فرماید: «آنها عذاب دردناک دارند» (و لهم عذاب الیم). این تفاوت در تعبیر که در اینجا «عذاب الیم» و در آیه قبل «عذاب عظیم» ذکر شده بود به خاطر آن است که آنها در مسیر کفر با سرعت بیشتری پیش می‌رفتند.

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۱۰

آیه ۱۷۸

آیه و ترجمه

۱۷۸ لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین
ترجمه :

۱۷۸ - آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند، و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!

تفسیر :

سنگین بارها

این آیه نیز در حقیقت بحثهای مربوط به حادثه احد و حوادث بعد از آن را تکمیل می‌کند زیرا یک جا روی سخن به پیامبر صلی الله علیه و آله بود و یک جا به مؤمنان و در این جا روی سخن به مشرکان است و به دنبال تسلیت و دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به تلاش و کوشش بی حساب دشمنان حق، در آیات گذشته، خداوند در این آیه روی سخن را متوجه آنها کرده و درباره سرنوشت شومی که در پیش دارند، سخن می‌گوید و می‌فرماید: «گمان نکنند آنهایی که کافر شدند، مهلتی که به ایشان می‌دهیم برای آنها خوب است» (و لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم). سپس می‌فرماید: «بلکه مهلت می‌دهیم تا به گناه و طغیان خود بیفزایند» (انما نملی لهم لیزدادوا اثما).

و در پایان آیه به سرنوشت آنها اشاره کرده، می‌فرماید: «و برای آنها

آیه فوق به آنها اخطار می کند که هرگز نباید آنها امکاناتی را که خدا در اختیارشان گذاشته و پیروزیهایی که گاهگاه نصیبشان می شود و آزادی عملی که دارند دلیل بر این بگیرند که افرادی صالح و درستکار هستند و یانشانه ای از خشنودی خدا نسبت به خودشان فکر کنند.

توضیح اینکه: از آیات قرآن مجید استفاده می شود که خداوند افراد گنهکار را در صورتی که زیاد آلوده گناه نشده باشند به وسیله زنگهای بیدار باش و عکس العملهای اعمالشان، و یا گاهی به وسیله مجازاتهای متناسب با اعمالی که از آنها سرزده است، بیدار می سازد و به راه حق باز می گرداند. اینها کسانی هستند که هنوز شایستگی هدایت را دارند و مشمول لطف خداوند می باشند و در حقیقت مجازات و ناراحتیهای آنها، نعمتی برای آنها محسوب می شود. چنانکه در قرآن می خوانیم: «ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس لیدیقهم بعض الذی عملوا لعلهم یرجعون، در خشکی ها و دریاها، فساد و تباهی بر اثر اعمال مردم، ظاهر شد تا خداوند نتیجه قسمتی از اعمال آنها را به آنها بچشاند، شاید که ایشان برگردند».

ولی آنها که در گناه و عصیان، غرق شوند و طغیان و نافرمانی را به مرحله نهایی برسانند، خداوند آنها را به حال خود وا می گذارد و به اصطلاح به آنها میدان می دهد تا پشتشان از بار گناه سنگین شود و استحقاق حداکثر مجازات را پیدا کنند.

اینها کسانی هستند که تمام پلها را در پشت سر خود ویران کرده اند، و راهی برای بازگشت نگذاشته اند و پرده حیا و شرم را دریده و لیاقت و شایستگی هدایت الهی را کاملاً از دست داده اند.

در خطبه ای که بانوی شجاع اسلام زینب کبری (علیها السلام) در شام در برابر حکومت خود کامه جبار، ایراد کرد، استدلال به این آیه را در برابر یزید طغیانگر که از مصادیق

روشن گنهکار غیر قابل بازگشت بود، می خوانیم، آنجا که می فرماید:
«تو امروز شادی می کنی و چنین می پنداری که چون فراخنای جهان را بر ما

تنگ کرده‌ای و کرانه‌های آسمان را بر ما بسته‌ای و ما را همچون اسیران از این دیار به آن دیار می‌بری، نشانه قدرت تو است، و یا در پیشگاه خدا قدرت و منزلتی داری و ما را در درگاه او راهی نیست! اشتباه می‌کنی، این فرصت و آزادی را خداوند به خاطر این به تو داده تا پشتت از بار گناه، سنگین گردد و عذاب دردناک در انتظار تو است...

به خدا سوگویند، اگر مسیر حوادث زندگی، مرا همچون زن اسیر، در پای تخت تو آورد، تصور نکنی که در نظر من کمترین شخصیت و ارزش داری، من تو را کوچک و پست و درخور هرگونه تحقیر و ملامت و توبیخ می‌شمرم... هر کار از دست ساخته است انجام ده، به خدا سوگویند هرگز نور ما را خاموش نتوانی ساخت و وحی جاودانه و آئین حق ما را محو نخواهی کرد، تو نابود می‌شوی، و این اختر تابناک همچنان خواهد درخشید.» پاسخ به یک سؤال

آیه فوق، ضمناً به این سؤال که در ذهن بسیاری وجود دارد، پاسخ می‌گوید که چرا جمعی از ستمگران و افراد گنهکار و آلوده اینهمه غرق نعمتند و مجازات نمی‌بینند؟

قرآن می‌گوید: اینها افراد غیر قابل اصلاحی هستند که طبق سنت آفرینش واصل آزادی اراده و اختیار به حال خود واگذار شده‌اند، تا به آخرین مرحله سقوط برسند و مستحق حداکثر مجازات شوند.

بعلاوه از بعضی از آیات قرآن، استفاده می‌شود که خداوند گاهی به اینگونه افراد، نعمت فراوانی می‌دهد و هنگامی که غرق لذت پیروزی و سرور شدند ناگهان همه چیز را از آنان می‌گیرد، تا حداکثر شکنجه را در زندگی همین دنیا ببینند زیرا جدا

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۱۳

شدن از چنین زندگی مرفه‌ی، بسیار ناراحت کننده است چنانکه می‌خوانیم: «فلما نسوا ما ذکرنا علیهم ابواب کل شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون، هنگامی که پندهایی را که به آنها داده شده بود، فراموش کردند درهای هر خیری به روی آنان گشودیم تا شاد شوند، ناگهان هر آنچه داده بودیم از آنها بازگرفتیم، لذا فوق العاده ناراحت و غمگین شدند».

در حقیقت اینگونه اشخاص، همانند کسی هستند که از درختی، ظالمانه بالا

می‌روند، هر قدر بالاتر می‌رود خوشحالت‌تر می‌شود تا آن هنگام که به قله درخت می‌رسد، ناگهان طوفانی می‌وزد و از آن بالا چنان سقوط می‌کند که تمام استخوانهای او در هم می‌شکند.

یک نکته ادبی

از آنچه در تفسیر آیه گفتیم روشن می‌شود که «لام» در «لizardاواثما»، «لام عاقبت» است نه «لام غایت» توضیح اینکه: گاهی لام در لغت عرب در موردی به کار می‌رود که محبوب و مطلوب انسان است مانند: «لتخرج الناس من الظلمات الى النور، قرآن را برای این به سوی توفیرستادیم که مردم را از تاریکی به روشنائی دعوت کنی». بدیهی است هدایت مردم مطلوب و محبوب خدا است. ولی گاهی کلمه لام در جایی به کار می‌رود که هدف شخص و محبوب اونیست، اما نتیجه عمل او است مانند: «لیکون لهم عدوا و حزنا، فرعونیان موسی را از آب گرفتند، تا سرانجام، دشمن آنها گردد».

تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۲۱۴

مسلمانان برای این هدف او را از آب نگرفتند، اما این موضوع، نتیجه کارشان بود.

این دو تعبیر مختلف نه تنها در ادبیات عرب، بلکه در ادبیات سایر زبانها نیز دیده می‌شود و از اینجا پاسخ سؤال دیگری روشن می‌گردد که چرا خداوند فرموده: «لizardاواثما، ما می‌خواهیم گناهان آنها زیاد گردد» زیرا این اشکال در صورتی است که «لام» لام علت و هدف باشد، نه لام عاقبت و نتیجه، بنابراین معنی آیه چنین می‌شود: «ما به آنها مهلت می‌دهیم که سرانجام و عاقبت آن این است که پشتشان از بار گناه، سنگین می‌گردد، پس آیه فوق، نه تنها دلیل بر جبر نیست بلکه دلیل بر آزادی اراده است».

بعد

↑ فترت

قبل